

تاریخ نگاری

ناربخ نگاری مناقشه اسرائیل و لبنان

۱۹۷۸ : اسرائیل به جنوب لبنان حمله می کند و اراضی منطقه را به اشغال خود درمی آورد . در هفته های بعد، اکثر نیروهای اسرائیلی از منطقه خارج می شوند ولی نیروهای مسیحی ارتش جنوب لبنان که حامی اسرائیل هستند در منطقه باقی می مانند.

سفیر اسرائیل در انگلیس تل آویو حمله همه جانبه‌ای را به لبنان آغاز می کند که «عملیات صلح جلیله» نام می‌گیرد . در همان سال، «بشیر جمیل» که تازه به‌عنوان رئیس‌جمهور لبنان انتخاب شده بود و مواضعی نزدیک به اسرائیل داشت ترور می شود . یک روز بعد، نیروهای اسرائیل، غرب بیروت را اشغال می کنند و در روز بعد، فالانژیست‌های لبنان نیز در اردوگاه آوارگان صبرا و شتیلا در غرب بیروت، با حمایت مستقیم آریل شارون وزیر دفاع وقت اسرائیل جان تعداد زیادی از آوارگان فلسطینی را می‌گیرند .

۱۹۸۳ : اسرائیل و لبنان برای عقب‌نشینی اسرائیل توافقاته‌ای را به امضا می‌رسانند . ایجاد منطقه امنیتی در جنوب لبنان، هدف اصلی این توافق اعلام می شود . سوریه به این توافقاتمه مخالفت می کند و آن را نمی‌پذیرد .

۱۹۸۴ : «امین جمیل» برادر بشیرجمیل رئیس‌جمهور لبنان تحت فشار سوریه، توافقاتمه صلح با اسرائیل را لغو می‌کند . حزب الله، برای اولین بار در افکار عمومی معرفی می شود.

۱۹۸۵ : اسرائیل به منطقه امنیتی اعلام شده قبلی در جنوب لبنان عقب نشینی می کند .

۱۹۸۹ : «امیشل عون» عملیات «مبارزه برای آزادی» را علیه حضور سوریه در لبنان مورد توجه قرار می‌دهد .

۱۹۹۰ : نیروی هوایی سوریه به کاخ ریاست‌جمهوری لبنان حمله می کند و «عون» به سفارت فرانسه پناه می‌برد. این سال را پایان جنگ داخلی لبنان می‌دانند .



آریل شارون وزیر دفاع وقت اسرائیل در لبنان، ۱۹۸۲

۱۹۹۱ : مجلس ملی لبنان، فرمان منع فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی را صادر می‌کند اما حزب الله فعال می‌ماند و ارتش مسیحیان جنوب لبنان هم منحل نمی‌شود .

۱۹۹۲ : «سیدعباس الموسوی» دبیرکل حزب‌الله توسط اسرائیل به شهادت می‌رسد .

این عملیات در جنوب شرقی صیدا انجام می‌گیرد و همسر و فرزند شش ساله او نیز کشته می‌شوند . ۱۹۹۳ : اسرائیل در واکنش به حملات لبنان و علیه حزب الله، عملیات بزرگ یک‌هفته‌ای را آغاز می‌کند که سنگین ترین حمله اسرائیل از سال ۱۹۸۲ میلادی به بعد به شمار می‌آید.

این حمله هوایی، دریایی و توپخانه‌ای است .

۱۹۹۶ : اسرائیل حمله هفده‌روزه‌ای را با عنوان «عملیات خوشه‌های خشم» در جنوب لبنان و علیه حزب‌الله صورت می‌دهد . در این عملیات، پایگاه‌های حزب‌الله در جنوب لبنان به خصوص در بیروت و بقاع بمباران می‌شوند. در همین سال، حمله اسرائیل به یک مقر سازمان ملل متحد در «قانا» منجر به کشته شدن بیش از صد آواره لبنانی می‌شود . در ماه آوریل این سال، آمریکا توافقاتمه آتش‌بسی را آماده می‌کند که براساس آن، گروه‌های فلسطینی حزب‌الله تعهد می‌کنند به غیرنظامیان در شمال اسرائیل حمله نکنند. به رسمیت شناخته شدن حق اسرائیل برای دفاع از خود و نیز حق حزب‌الله برای مقاومت در برابر اشغال گری اسرائیل در آن گنجانده می‌شود. اما لبنان و سوریه، این توافقاتمه را امضا نمی‌کنند .

۱۹۹۹ : ارتش جنوب لبنان، پس از ۱۴ سال از خط نفوذی جزین در شمال منطقه حائل امنیتی خارج می‌شود .

۲۰۰۰ : کابینه اسرائیل به عقب‌نشینی یک‌جانبه نیروهایش از جنوب لبنان رای می‌دهد . در همان سال، اسرائیل ۱۳ زندانی را که به مدت ده سال بدون محاکمه در زندان به سر می‌بردن آزاد می‌کند . در ماه مه این سال، اسرائیل نیروهایش را زودتر از موعد مقرر از جنوب لبنان خارج می‌کند و اشغال ۲۲ساله جنوب لبنان پایان می‌یابد .

۲۰۰۴ : قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب می‌رسد که خارج شدن نیروهای خارجی و مشخصاً سوریه از خاک لبنان را مورد توجه قرار می‌دهد . سوریه این قطعنامه را رد می‌کند .

۲۰۰۵ : «رفیق حریری» نخست‌وزیر لبنان با انفجار بمبی در اتومبیلش در بیروت کشته می‌شود. این حمله باعث می‌شود تظاهرات گسترده ضدسوری در لبنان برگزار شود و کابینه «عمر کرامی» نخست‌وزیر لبنان وادار به استعفا شود. درخواست‌ها از سوریه برای خارج کردن نیروهایش از لبنان شدت می‌گیرد . ۲۰۰۶ : گروگان‌گیری دو سرباز اسرائیل توسط حزب‌الله باعث می‌شود درگیری‌ها میان اسرائیل و لبنان که مدتی متوقف شده بود، با حملات اسرائیل به بیروت و جنوب لبنان و نیز حمله راکتی و موشکی حزب‌الله به اسرائیل شدت بگیرد.

برخی بر این عقیده‌اند که مناقشه اخیر لبنان هرگز تبدیل به یک جنگ جدید شبیه به جنگ سال ۱۹۸۲ نخواهد شد . با این حال دولت اسرائیل از این لشکرکشی خود به همسایه شمالی و حمله به اهدافی در بیروت و حومه این شهر، به عنوان پاسخی به یک «اقدام جنگی» یاد می‌کند .

منظور اسرائیل از اقدام جنگی در واقع گروگان‌گیری یک سرباز اسرائیلی توسط نیروهای حماس در نوار غزه و متعاقب آن به گروگان گرفته شدن دو سرباز اسرائیلی دیگر توسط گروه حزب‌الله درجنوب لبنان است. با این حال اسرائیل این بار با نوعی دقت و هراس دست به چنین عملیات‌هایی می‌زند زیرا به ادعای سردمداران اسرائیل گروه شیعه حزب‌الله لبنان تنها نیست و از پشتیبانی‌های ایران و سوریه برخوردار است. با این حال بسیار غیرمحتمل به نظر می‌آید که اسرائیل بتواند با چنین عملیات وسیعی آن هم در دو جبهه (اول غزه و حال لبنان) موفق به آزادسازی سربازان به گروگان گرفته شده‌اش بشود، زیرا اگر قرار بود این اتفاق بیفتد تا به حال افتاده بود. به همین خاطر برخی از ناظران معتقدند که اسرائیل با این عملیات بیش از هر چیز در نظر دارد تا خود را از نوعی به اصطلاح بی‌عملی رهایی بخشد، بی‌عملی‌ای که از تابستان گذشته و پس از تخلیه نوار غزه بدان دچار شد و هیچ دستاوردی برای تل آویو نداشت و در عوض بیش از هفتصد موشک فلسطینی قسام از نوار غزه به سوی شهرهای مرزی «سدروت» و «انکلون» شلیک شد. افکار عمومی اسرائیل در ماه‌های اخیر خواهان شدت عمل بیشتر این رژیم بودند.

لشکرکشی اسرائیل به خاک لبنان، دولت این کشور (لبنان) را دچار مشکلات بزرگی می‌کند و امیدها برای ایجاد تغییرات مثبت در این کشور را از بین می‌برد. از فوریه سال پیش که لبنان شاهد تغییر دولت و برخی اقدامات اصلاحی بود، این تصور می‌رفت که این تغییرات نه تنها به سود لبنان بلکه برای اسرائیل هم در نهایت مفید خواهد بود.

پس از ترور نخست‌وزیر سابق لبنان یعنی «رفیق حریری»، اپوزیسیون این کشور موقعیت را مناسب دید تا به این بهانه یکان‌ها ی سوری را که از سال ۱۹۷۶ در لبنان مستقر بودند، وادار به ترک خاک لبنان کنند تا بدین صورت از نفوذ عمیق دولت سوریه در لبنان کاسته شود.

این عقب‌نشینی ضربه‌ای بزرگ برای سوریه به حساب می‌آمد و دولت این کشور هنوز هم با پیامدهای آن در جدال است. بسیاری از ناظران جهانی دولت لبنان را متهم به طرفداری و پشتیبانی از حزب‌الله می‌کنند. اما باید گفت که با توجه به ساختار متنوع این سازمان که هم در میان پارلمان و کابینه لبنان نمایندگانی دارد و هم در میان شیعیان لبنان و هم در میان برخی دیگر از گروه‌های این کشور محبوبیتی خاص دارد، هیچ دولتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و به طریق اولی خلع سلاح این سازمان هم اصولاً مقدور و منطقی از شیعیان تشکیل می‌دهند و نه مخوف آن هم پس از نزدیک به ۴۰ سال اشغال فلسطین و با آن همه حملات و کشتارها موفق به خلع سلاح گروه‌های فلسطینی در نوار غزه و کرانه باختری نشده است، چگونه می‌توان از دولتی مثل دولت لبنان (که ۴۰ درصد جمعیت کشورش را شیعیان تشکیل می‌دهند و نه تنها بزرگترین گروه مسلمانان بلکه پرجمعیت‌ترین گروه مذهبی این کشور به شمار می‌آیند) انتظار داشت با حزب‌الله برخورد حذفی داشته باشد.

این نکته مهم را نیز باید در نظر داشت که تا زمانی که مردم فلسطین در وضعیت طألاً فلاکت‌ناز فعلی زندگی می‌کنند، کشورهای اسلامی پیرامون اسرائیل از اقدامات و حملات سازمان‌هایی چون حماس و حزب‌الله به عنوان اقداماتی متقابل و مشروع حمایت خواهند کرد. از زمان ارائه طرح شاه فهد در سال‌های دور، هیچ اقدام عملی‌ای از سوی کشورهای عربی برای کاهش یافتن جو بی‌اعتمادی نسبت به اسرائیل صورت نگرفته است. آنها تا به حال حتی نسبت به گفتار و رفتار خشم‌آلود برخی سیاستمداران منطقه علیه اسرائیل نیز خاموش مانده‌اند. کشورهای عربی هنوز هم به محافظه کاری به سبک دوگانه قدیمی خود ادامه می‌دهند: از یک سو گریز برداران مسلمان خود در فلسطین را به سینه می‌زنند و ظاهراً نسبت به آینده آنان نگران هستند و از سوی دیگر برای حفظ و بقای قدرت خود به هر دستاویزی تن می‌دهند. و نباید به همین خاطر است که اسرائیل نه از سوی ریاض و قاهره و دیگر پایتخت‌های عربی بلکه از سوی تهران احساس خطر می‌کند. در وضعیت فعلی آنچه فراموش شده است همان سیاست و دیپلماسی است و راهکارهایی چون «نقشه راه» هم به کناری گذاشته شده است. در حال حاضر همان بازی خشن و کهنه شده در خاورمیانه ادامه دارد؛ بازی خشنوت و خشونت متقابل و البته این اسرائیل است که این بازی خشن‌ترین اقبال را در اختیار داشته و از آنها استفاده می‌کند. اسرائیل به قول خود هدف را که همان خلع سلاح و حذف سازمان‌هایی چون حماس و حزب‌الله است، توجیه کر بی‌معنای این بازی زشت و خشن قرار داده و البته این راهی است که سنگلاخ‌های آن هر لحظه رویای کاذب اسرائیل را بر باد می‌دهد.

رشد نیلوفری خشونت

اسرائیل ادعا می‌کند که با ادامه حملات به لبنان، شبه‌نظامیان حزب‌الله را وادار به عقب‌نشینی از مناطق مرزی لبنان با اسرائیل خواهد کرد. اما پرسش اصلی این است که آیا به وسیله چنین عملیات نظامی وحشیانه‌ای می‌توان از ادامه رشد نیلوفری خشونت در خاورمیانه جلوگیری کرد. از قرار معلوم در داخل اسرائیل هم کسی تصور نمی‌کند که با اقداماتی چون بمباران فرودگاه بیروت و تخریب زیرساخت‌های خدماتی لبنان بتوان سربازهای گروگان‌گرفته شده را آزاد کرد. اسرائیل قصد دارد با فشار نظامی به دولت لبنان، این دولت را در وضعیتی دشوار قرار دهد و آن را مسئول عدم برخورد با حزب‌الله معرفی کند. شاید در نظر اول این خواست اسرائیل منطقی به نظر آید زیرا اصولاً هر دولتی مسئول حملاتی است که از حوزه مسئولیت او علیه کشوری دیگر انجام گیرد. اما نمی‌توان دولت لبنان را در این مورد گناهکار دانست.

خاورمیانه

سیاست مشّت اسرائیل جواب نمی‌دهد

پایان راه سوم

ترجمه و تنظیم : محمدعلی فیروزآبادی



همین چند ماه پیش بود که «فواد سنوره» نخست‌وزیر لبنان در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرد که حزب‌الله «حضوری مفید در کابینه و در پارلمان دارد و دولت لبنان به دلیل این مشارکت احترام خاصی برای این گروه قائل است.»

دولت لبنان در این مورد کاملاً اصولی رفتار کرده است زیرا حزب‌الله در انتخابات سال گذشته حضور موفقیتی داشت و به همین خاطر می‌توان از آن به عنوان نماینده مشروع شیعیان لبنان یاد کرد. علاوه بر آن حزب‌الله حضوری مؤثر و قدرتمند در دولت لبنان نیز دارد و نمی‌توان از دولتی انتظار داشت علیه بخشی از خود، اقدام کند. با این وجود دولت لبنان بنا به درخواست شورای امنیت سازمان ملل تلاش بی‌حاصلی را برای خلع سلاح حزب‌الله آغاز کرد که البته همه مذاکرات در این مورد با شکست رویه‌رو شد.

در حال حاضر دولت لبنان به عنوان آخرین راه حل از سازمان ملل خواسته است تا برای جلوگیری از حملات اسرائیل مداخله کند اما این سازمان اصولاً توانایی مقابله با مناقشه‌ای با این ابعاد و وسعت را ندارد. برخی از مقامات لبنان هم عقیده دارند که در این مورد باید از ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان شیعیان لبنان و هم در میان برخی دیگر از گروه‌های این کشور محبوبیتی خاص دارد، هیچ دولتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و به طریق اولی خلع سلاح این سازمان هم اصولاً مقدور و منطقی از شیعیان تشکیل می‌دهند و نه مخوف آن هم پس از نزدیک به ۴۰ سال اشغال فلسطین و با آن همه حملات و کشتارها موفق به خلع سلاح گروه‌های فلسطینی در نوار غزه و کرانه باختری نشده است، چگونه می‌توان از دولتی مثل دولت لبنان (که ۴۰ درصد جمعیت کشورش را شیعیان تشکیل می‌دهند و نه تنها بزرگترین گروه مسلمانان بلکه پرجمعیت‌ترین گروه مذهبی این کشور به شمار می‌آیند) انتظار داشت با حزب‌الله برخورد حذفی داشته باشد.

این نکته مهم را نیز باید در نظر داشت که تا زمانی که مردم فلسطین در وضعیت طألاً فلاکت‌ناز فعلی زندگی می‌کنند، کشورهای اسلامی پیرامون اسرائیل از اقدامات و حملات سازمان‌هایی چون حماس و حزب‌الله و رهبری حزب‌الله، آنان را وادار به کوتاه آمدن کنند. اما این کوتاه آمدن تنها در مقابل آزادسازی زندانیان فلسطینی و لبنانی توسط اسرائیل معنا پیدا می‌کند و از آنجایی که اسرائیل اهل صبر و خوشبختنداری نیست، پس متأسفانه نیلوفر زشت خشونت در خاورمیانه همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد.

■ مشکلات پیچیده اسرائیل
همان‌طور که پیش از این آمد، اسرائیل اصولاً اهل خوشبختنداری و مدارا نیست، اما این ناخوببختنداری معلول

گفت‌وگو با رئیس سابق تحقیقات اداره اطلاعات ارتش اسرائیل

اسرائیل قصد بازگشت به لبنان را ندارد

دکتر «افرایم کام» رئیس سابق بخش تحقیقات اداره اطلاعات ارتش اسرائیل و معاون فعلی رئیس «مرکز تحقیقات استراتژیک جایی» در تل آویو است و بدین ترتیب می‌توان از او به عنوان یکی از کسانی یاد کرد که آشنایی کاملی با وجوه تئوری و عملی پیشبرد طرح‌های اسرائیل در منطقه دارد. این استراتژیست نظامی در این گفت‌وگو در مورد گسترش مناقشه خاورمیانه و اهداف احتمالی اسرائیل می‌گوید.

■ ■ ■

■ اسرائیل در حال بمباران لبنان است. اما آیا این مسئله جدیدی به حساب می‌آید؟
سال‌ها است که اسرائیل دیگر به این شدت و وسعت دست به بمباران لبنان نزده بود. اما انتخاب این اهداف چیز جدیدی است حتی بمباران فرودگاه بیروت هم به این صورت سابقه نداشت.

■ بمباران لبنان به حزب‌الله هم صدمه‌ای می‌زند؟
این کار باعث فشار بر دولت لبنان می‌شود تا از حمله به مرزهای بین‌المللی جلوگیری کند. اما خواست اسرائیل در این مورد کاملاً مشروع است. اسرائیل برای این کار دلایلی هم دارد مانند ترس از بروز جنگ داخلی و همین‌طوری نگرانی در مورد سوریه. به هر صورت این کار هم بهیچ‌ا در، یعنی این بسبب‌ها و بمباران‌ها موجب فشارهای بین‌المللی بر طرح و نقشه اسرائیل می‌شود. به هر حال در آنجا چیزی به جریان افتاده که کسی از مسیر و جهت آن اطلاع دقیقی ندارد.

■ شاید جنگ با سوریه؟
اسرائیل نمی‌خواهد جبهه دیگری به جبهه‌های موجود اضافه شود. به هر صورت این اولین گزینهٔ دولت اسرائیل نیست.

■ آیا فشار بین‌المللی بر سوریه هم امکان‌پذیر هست؟
سوریه به بالا گرفتن درگیری‌ها در لبنان علاقه دارد اما نمی‌خواهد که خودش در این مورد مسئولی داشته باشد. از طرف دیگر سوریه‌ها این را هم نمی‌توانند تحمل کنند که مدت زیادی در حاشیه مسائل خاورمیانه و تنها نظاره‌گر آن باشند. در حال حاضر کسی در مورد

ویژه‌نامه جنگ لبنان –اسرائیل

خود گشود و حتی در عرض یک روز اقدام به فراخوانی سربازان ذخیره و احتیاط نیز کرد. اولمرت به تازگی در یک نشست خبری گفته است که دولت اسرائیل به مانند گذشته در معرض آزمونی دشوار قرار گرفته که البته این بار سربلند از آن بیرون می‌آید. او در این جلسه تأکید کرد: «از نظر ما این عمل حزب‌الله لبنان یک حمله تروریستی به حساب نمی‌آید، بلکه این اقدام حمله یک دولت علیه یک کشور و دولت دیگر است. ما عقیده داریم که دولت لبنان مسئول همه این وقایع اخیر است و به همین دلیل باید پیامدهای آن را تحمل کند.»

با همه این احوال بی‌تردید دولت اسرائیل دچار وضعیت به شدت پیچیده و دشواری شده است: چنانچه کوتاه بیاید و تن به مبادله اسرا و زندانیان اسرائیلی و فلسطینی بدهد، نه تنها از تکرار چنین اقداماتی جلوگیری نمی‌شود بلکه محبوبیت حماس در نزد مردم فلسطین بیش از پیش افزایش می‌یابد. در همین حال در داخل اسرائیل لحظه به لحظه بر عصبانیت اپوزیسیون راست‌گرا افزوده می‌شود، اپوزیسیونی که همواره شدت عمل بیشتر را از رژیم اسرائیل می‌خواهد.

علاوه برآن افکار عمومی اسرائیل هم روزبه‌روز همدردی بیشتری با خانواده‌های سربازان ربوده شده نشان می‌دهند و این مسئله خود به معنی گرایش مردم به جناح تندرو اسرائیل است. در پارلمان اسرائیل هم که اکثریت از طرفدار رژیم حاکم هستند هر روز این فریاد از سوی نمایندگان بلند می‌شود که دولت باید به هر صورت بازگشت به آرامش و پرهیز از گسترش بحران را در دستور کار قرار دهد. و بدین ترتیب ایهود اولمرت پس از سه ماه نخست‌وزیری، دوران واقعی یک نخست‌وزیر اسرائیلی را آغاز کرده است.

زمانی که در سال ۲۰۰۴ آریل شارون نخست‌وزیر وقت اسرائیل با نظارت و میانجیگری اداره اطلاعات و امنیت آلمان تن به مبادله اسرا و زندانیان داد، شاید به دلیل پیشینه نظامی و خویشاوندی‌های وی تقریباً با هیچ اعتراضی در داخل اسرائیل مواجه نشد. اما اولمرت برخلاف سلف خود و شاید به دلیل نداشتن تجربه نظامی بلافاصله نسبت به گروگان‌گرفته شدن سربازان اسرائیلی واکنش نشان داد و دستور حمله توپخانه نیروی زمینی به جنوب لبنان و همین‌طور حملات هوایی و دریایی به زیرساخت‌های این کشور را صادر کرد. برخی از کارشناسان معتقدند که این شدت عمل حکایت از همان ناخیرگیری‌های اولمرت دارد. به عقیده این کارشناسان حمله به غزه حتی از حمله به لبنان مخاطره‌آمیزتر خواهد بود چون مناسبات قدرت در میان جنبش حماس ثقات هایی اساسی با لبنان دارد و نمی‌توان با به گلوله بستن فرماندهان حماس، این جنبش را از سربز قدرت به زیر کشید. این گونه واکنش‌های اسرائیل تنها ثمری که دارد، خاموشی همان کورسوی صلح است و بیش از پیش مردم فلسطین را برای ادامه مبارزه مسلحانه تشویق می‌کند. پس می‌توان گفت که ایهود اولمرت از همین حالا برخلاف ادعای خود، مغلوب این دوران پرتنش شده است.

■ پایان راه سوم

این روزها دیگر از امید برای صلح خاورمیانه خبری نیست. یکی از کارشناسان و مفسران سیاسی معروف اسرائیلی به نام «آری شاولیت» از این دوران به عنوان «عصر پایان راه سوم» یاد می‌کند. راه سوم در واقع راهکاری بود که پس از شکست مذاکرات صلح از سوی دولت آریل شارون در نظر گرفته شد یعنی «عقب‌نشینی یکجانبه از مناطق اشغالی فلسطین» و البته ادامه ساخت دیوار حائل که به صورت خودمختلاک عده‌ای را برای اسارت دادن سوی این دیوار پدید آورده است. طرح «راه سوم» در داخل اسرائیل هم مخالفان زیادی داشت. به گفته شاولیت آنها راه سوم از طرحی می‌دانستند که نتیجه‌ای جز پدیدایش «انتفاضه سوم» نخواهد داشت و به شدت نسبت به این مسئله به نگرانی‌های هشدار می‌دادند و امروز با رخدادهای اخیر پیش‌بینی و هشدار خود را تحقق یافته می‌پندارند. به گفته شاوریت انتفاضه سوم همین حرکت‌های حزب‌الله و حماس است که با پشتیبانی‌های سوریه به شلیک موشک‌های قسام و کاتیوشا و گروگان‌گیری دست می‌زنند. اما این مفسر اسرائیلی در عین حال عقیده دارد که اسرائیل پس از عملیات به قول وی بازدارنده در مقابل حزب‌الله و حماس به شدت نیاز به «راه چهارم» دارد که عبارت است از خودداری از اشغال دیواره مناطق اشغالی و به‌کارگیری ایده‌های استراتژیک و دیپلماتیک برای رفع بحران.

■ راه حل: اعتدال

به هر ترتیب نخست‌وزیر اسرائیل دیر یا زود خواهد فهمید که نمی‌توان به نام تأمین منافع امنیتی شهروندان خود و پیشگیری از وقایع مشابه بعدی دست به چنین عملیات نظامی گسترده‌ای در دو جبهه و علیه دو گروهی زد که در واقع از بسیاری جهات می‌توان آنها را یک گروه فرض کرد. شاید اولمرت هم این را دریافته باشد که ادامه این وضعیت به معنای از بین رفتن هرگونه فضای دیپلماتیک است. این مسئله در مورد حماس هم صدق می‌کند. یکپارچوبان حماس با ربودن آن سرباز اسرائیلی رویه تازه‌ای گرفته‌اند. اما این مسئله پیامدهای زیادی برای فلسطینیان دارد. شاید در وضعیت فعلی تفاهم حماس یا دیگر رقیب فلسطینی خود یعنی جنبش فتح چندان تأثیری در بهبود این وضعیت نداشته باشد اما رهبری سیاسی حماس می‌تواند با توافق بر سر طرح «دو کشور و دو دولت» راهی تازه برای جلوگیری از این خشونت‌ها پیدا کند. هر دو طرف مناقشه باید برای جلوگیری از خویش‌ریزی‌ها و رنج بیشتر مردم فلسطین و لبنان بار دیگر به روش‌های سیاسی و دیپلماتیک روی بیاورند. در وضعیت فعلی در پیش گرفتن اعتدال اولین پیشنهادی است که می‌توان به دو طرف این مخاصمه ارائه داد. به هر حال

آنگذاند از این دوران به عنوان دورانی تاریخی یاد خواهند کرد، پس چه بهتر که این دوران تاریخی پایانی عاری از خشونت و خویش‌ریزی داشته باشد.

منابع: ————— خویش‌ریزی داشته باشد.

فرانکفورتر روندشاو، وویچه وله، فرانکفورتر آلگماینه،

Die Zeit

سال سوم ■ شماره ۸۱۲

گزارش

روزشمار بحران خاورمیانه

ژانویه ۲۰۰۶ (بهم ۱۳۸۴): در اولین انتخابات پارلمانی فلسطین پس از یک دهه، جنبش اسلامی حماس موفق شد جنبش فتح را شکست دهد.

۳۰ ژانویه: حماس درخواست کمیته چهارجانبه صلح خاورمیانه برای خلع سلاح و به رسمیت شناختن اسرائیل را رد کرد.

۱۹ فوریه: پس از تشکیل دولت حماس، اسرائیل انتقال سهمی از مالیات‌های مرزی را به فلسطینی‌ها که تا پیش از آن در اختیار دولت خودگردان قرار می‌داد (حدود ۵۰ میلیون دلار) متوقف کرد.

۲۹ مارس: محمود عباس رئیس دولت خودگردان، دولت حماس و نخست‌وزیری «اسماعیل هنیه» را تأیید کرد.

۱۰ آوریل: اتحادیه اروپا روابط دیپلماتیک با حماس را قطع کرد. حماس قطع روابط اسرائیل با دولت جدید فلسطین را «اعلان جنگ» خواند.

۹ ژوئن: پس از کشته شدن ۶ نفر از اعضای یک خانواده فلسطینی در ساحل غزه به دلیل بمباران توپخانه‌ای اسرائیل، شاخه نظامی حماس آتش بس ۱۶ ماهه با اسرائیل را پایان یافته اعلام کرد.

۲۵ ژوئن: شبه‌نظامیان فلسطینی به یک پست نگهبانی مرزی داخل مناطق اشغالی نفوذ کردند و پس از کشتن دو سرباز اسرائیلی، سرباز «گیلغاد شلیط» را گروگان گرفتند. سه روز بعد ارتش اسرائیل حمله به باریکه غزه را آغاز کرد.

۲۹ ژوئن: در کرانه باختری رود اردن نیروهای اسرائیلی یک سوم از وزرای کابینه فلسطینی و بیش از ۲۰ نماینده مجلس را بازداشت کردند.

۳ ژوئیه: ارتش اسرائیل وارد مناطق شمالی نوار غزه شد. سه روز بعد، پس از آنکه حماس شهر اشکلون در داخل مناطق اشغالی را برای اولین بار هدف راکت قرار داد، حملات اسرائیل شدت و وسعت بیشتری یافت.

۸ ژوئیه: هنیه به اسرائیل پیشنهاد آتش‌بس داد. اسرائیل گفت خواستار آزادی سربازان گروگان‌گرفته شده و توقف حملات راکتی توسط فلسطینی‌ها است.

■ آغاز بحران در لبنان

۱۲ ژوئیه (یک هفته پیش): چریک‌های حزب‌الله با نفوذ به داخل مناطق اشغالی دو سرباز اسرائیلی را گروگان گرفتند. آنها خواستار مبادله این گروگان‌ها با زندانیان لبنانی در اسرائیل شدند.

«ایهود اولمرت» نخست‌وزیر اسرائیل این گروگان‌گیری را «اقدام برای جنگ» توصیف کرد. در واکنش به اقدام حزب‌الله هواپیماهای اسرائیلی مواضع این گروه در جنوب لبنان را بمباران کردند و ارتش این رژیم برای اولین‌بار پس از عقب‌نشینی نظامی از لبنان در سال ۲۰۰۰ به مرز مشترک باغزه وارد، درگیری با حزب‌الله باعث کشته شدن هشت نظامی اسرائیلی شد و این رژیم وعده حملات سنگین و گسترده را داد.

۱۳ ژوئیه: فرودگاه بین‌المللی بیروت پس از بمباران هواپیماهای اسرائیلی تعطیل شد. گزارش‌ها حاکی از کشته شدن حدود ۳۵ غیرنظامی در شهرهای لبنان و روستاهای اطراف مرز با مناطق اشغالی در اثر حمله اسرائیل بود. پس از آنکه اسرائیل اعلام کرد به منظور جلوگیری از فعالیت‌های حزب‌الله محدودیت دریایی و هوایی برای لبنان اعمال می‌کند «جورج بوش» رئیس‌جمهور آمریکا از حق اسرائیل برای «دفاع از خود در برابر حملات» دفاع کرد، اما فرانسه و روسیه و اتحادیه اروپا از استفاده نامناسب از زور توسط اسرائیل انتقاد کردند.

۱۴ ژوئیه: «سیدحسین نصرالله» رهبر حزب‌الله پس از بمباران دفترش در بیروت وعده یک «جنگ تمام‌عیار» با اسرائیل را داد. اسرائیل پل‌ها، جاده‌ها و مخازن نفت و سوخت در بیروت را هدف قرار داد. شمار تلفات غیرنظامیان در لبنان به بیش از ۵۰ تن رسید. شورای امنیت سازمان ملل در جلسه فوق‌العاده خواستار پایان عملیات اسرائیل شد و دلیل آن را کشته شدن غیرنظامیان بی‌گناه عنوان کرد.

۱۵ ژوئیه: حملات اسرائیل شدت یافت و برای اولین بار شهر تریپولی در شمال لبنان را هدف قرار داد. دفتر مرکزی حزب‌الله در جنوب بیروت هدف حمله قرار گرفت. در واکنش به این حمله حزب‌الله شهر طبریا در اسرائیل را هدف راکت قرار داد و به یک ناو اسرائیلی در ساحل لبنان حمله کرد. «عمر موسی» دبیرکل اتحادیهٔ عرب روند صلح خاورمیانه را پایانی باطل می‌داندست. «فواد سنوره» نخست‌وزیر لبنان کشورش را «منطقه فاجعهٔ رزه» اعلام کرد و خواستار کمک‌های بین‌المللی شد. در اجلاس گروه هشت، جورج بوش حزب‌الله را در بحران خاورمیانه مقصر دانست و از سوریه خواست این گروه را تحت فشار قرار دهد. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه از بمباران‌های شدید اسرائیل انتقاد کرد و گفت: «استفاده از زور باید متعادل باشد.»

۱۶ ژوئیه: ۲۳ نفر در جنوب لبنان در اثر حملات هوایی اسرائیل کشته شدند. هفت کانادایی نیز در یک روستا در جنوب بیروت کشته شدند. حمله راکتی حزب‌الله به شهر حیفا باعث کشته شدن هشت اسرائیلی شد. در تل آویو حالت فوق‌العاده اعلام شد. اولمرت حمله به حیفا «پیامدهای گسترده‌ای» خواهد داشت. سیدحسین نصرالله جنگ با اسرائیل «تازه» آغاز شده است و رهبران گروه هشت نیروهای تندرو را مقصر بحران پیش آمده دانستند، اما از اسرائیل هم خواستند عملیات نظامی را خاتمه دهد.

۱۷ ژوئیه: حملات هوایی اسرائیل ادامه یافت. اولمرت حمله اسرائیل تا زمانی که حزب‌الله به اسرائیل ادامه یابد. تلفات غیرنظامیان در لبنان به بیش از ۱۲۰ نفر رسید. «کوفی عنان» دبیرکل سازمان ملل و «تونی بلر» نخست‌وزیر انگلیس خواستار فرستادن نیروهای بین‌المللی به لبنان شدند. اسرائیل این پیشنهاد را نپذیرفت.